

## در پاسخ به رفیق ابراهیم علیزاده

مینة حسامی

در نشریه "پیشرو" (ارگان کمیته مرکزی کومله که بزبان کردی منتشر میشود) شماره 240-239 بتاریخ دسامبر 2007 متن مصاحبه‌ای از رفیق ابراهیم علیزاده با رادیو "همبستگی"، از رادیوهای محلی شهر استکهلم منتشر شده‌است. در این مصاحبه رفیق ابراهیم در پاسخ به سؤال مربوط به اختلافات درونی حزب کمونیست و کومله، به صحبت در مورد ما پرداخته و بدون اشاره به منشأ اختلافات، به شیوه مخصوص به خود ما را به "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" منتسب کرده تا بدین ترتیب نظرات و عقایدی دیگر و متفاوت از باورها و آرمانهایمان را به ما نسبت دهد.

رفیق ابراهیم در پاسخ باین سؤال: "اختلافات درون حزب کمونیست و کومله علنی شده‌است. برخی بر فعالیت بنام کومله تأکید دارند، چرا؟ شما هم به فعالیت حزب کمونیست ایران و کومله بعنوان سازمان کردستان این حزب تأکید دارید چرا؟" میگوید:

"... این بحث در میان ما سابقه طولانی تری دارد. انشعابی که چند سال پیش به تشکیل سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان منجر شد، در واقع همین هدف را دنبال میکرد. آن هنگام این بخش از رفقای ما که همین جهت گیری را داشتند اما هر کدام به دلایلی با این جریان همراه نشدند، در صفوف حزب کمونیست و کومله باقی ماندند و سعی کردند دیدگاههای خود را در چهارچوب همین جریان پیگیری کنند. ..."

رفیق ابراهیم بمنظور تنظیم هرچه بهتر سناریوی مورد نظر خود و برای پنهان کردن هرچه بیشتر حقایق از توده‌های مردم محروم و ستمدیده کردستان و ایران، نه تنها به خود زحمت نمیدهد که در چند پاراگراف به دلایل این بحث و سوابق آن بپردازد، بلکه حتی در این باره که ما چه میگوئیم و تاکنون چه نوشته‌ایم و یا خود در مقابل بحثهای ما چه کرده و چه نوشته‌است سکوت کرده و در عوض به کلی گویی و حکم صادر کردن مبادرت ورزیده است. البته این گونه حکم صادر کردنها قبل از هر چیز خاصیت راضی نگه داشتن اطرافیان را دارد، و میخواهد مطابق میل خود به جوسازی علیه ما بپردازد.

البته رفیق ابراهیم چه در گذشته و چه امروز نیز در تشویق، به‌خط کردن و تحریک اطرافیان علیه مخالفین، همیشه بیشترین مایه را از خود گذاشته و در این راستا بسیار موفق عمل کرده است. بدین ترتیب هم در ظاهر خود را از مناقشات دور نگه داشته و هم کمترین انتقاد را متوجه خود ساخته است. واضح است که چنین سبک کاری، تاکنون آسانترین و کم دردمترین روش برای ایشان بوده است.

در هرحال عبدالله مهدی و همراهانش در مقطع کنگره 9 کومله، از این تشکیلات جدا شدند. امروز بیش از 7 سال از این انشعاب میگذرد و انشعاب دیگری را نیز تجربه کرده‌اند. آنچه جای تعجب دارد اینستکه رفیق ابراهیم بعد از انشعاب اخیر آنها، باین توهم دچار آمده که گویا با منتسب کردن ما به آنها میتواند ذهنیت توده‌های مردم را به انحراف بکشاند. اما به یمن وجود اینترنت و سایت و وبلاگهای متعدد اینترنتی، و علیرغم همه موانع تراشیها، توده‌های مردم محروم در ایران و کردستان بحثهای ما را شنیده و تفاوتها را نیز تشخیص میدهند.

رفیق ابراهیم بخوبی میدانند که بدنبال انشعاب آنها در سال 2000، برخلاف آنچه که امروز ایشان بمنظور گمراه کردن افکار عمومی قصد تحمیل آنرا به مردم دارند، ما موضع و نظرات مستقل خود را داشته‌ایم. در ضمن حتماً بخاطر دارند که با پایان گرفتن کنگره 9 کومله، از 3 عضو کمیته مرکزی کومله که مأمور به توضیح انشعاب در خارج کشور شده بودند، دوتن از همان رفقای بودیم که امروز با این لحن با ما صحبت میکنند. از سویی دیگر رفقای کمیته مرکزی کومله، رفقا ساعد و طندوست و جعفر امین‌زاده بلافاصله پس از انشعاب، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای در رادیو کومله، به تفصیل در مورد جریان انشعابی صحبت کرده و متن مصاحبه آنان بعد از نشریه "پیشرو" شماره 155 بتاریخ اکتبر 2000 منتشر شد و توده‌های مردم کردستان همان وقت از این مواضع مطلع شده‌اند.

انتظار ما این بود که رفیق ابراهیم مستدل صحبت میکرد، اما ایشان با فراموشکار پنداشتن مردم بجای توضیح اختلافات، به تهمت زدن روی آورده و با درآوردن ابلیسی از آستین، ما را پیوسته به آن منتسب میکند. سؤال اینست که برخورد دیروز و مواضع امروز خود را، برای توده‌های کارگر و زحمتکش چگونه توضیح میدهند؟

میدانم که از پیش از کنگره نهم حزب و در شش - هفت ما گذشته رفیق ابراهیم بدرجه زیادی تحت فشار بوده که چرا در مورد ما مستقیماً رو به بیرون صحبتی نمیکند، تا جایی که حتی از وی بعنوان کمیته مرکزی "خاموش" نام برده میشود. آیا کنایه‌ها و فشارهای جانبی چنان کارگر بوده‌اند که باسانی و اقیعیتها را پرده پوشی کرده و آنها را وارونه نشان میدهند؟ کل استدلال رفیق ابراهیم در این خلاصه میشود که چون انشعابهای سال 2000 اعلام کرده بودند که بنام "کومهله" فعالیت خواهند کرد و حاصل پروژه‌اشان هم مطابق اتفاقات درون تشکیلاتی آنها در چند ماه گذشته رقم خورد، در نظر ایشان، ما نیز که خواستاریم فعالیت کل تشکیلات ما بنام کومهله باشد، همان مسیر را در پیش داریم!! ما استدلال کرده‌ایم که این تشکیلات همان کومهله است و ما نام دیگری را هم به گردهاش بسته‌ایم، در اینباره که این شیوه از فعالیت را در جهت منافع کارگران و زحمتکشان میدانیم بحث کرده و مطلب نوشته‌ایم، توده‌های مردم ستمدیده هم نظرات مارا شنیده‌اند و به آنچه که گفته‌ایم نیز وفاداریم. اما ایشان عامدانه قصد تحمیل اینرا دارد که این همان چیزی است که دیگران گفته‌اند و امتحان خود را هم پس داده است. در ادامه هم برای جلوگیری از تکرار چنین اتفاقی، به " نصیحت " کردن میپردازد! انگار فقط ما باید از چنین انشعاباتی درس بگیریم و شامل ایشان نخواهد بود.

این ارزیابی رفیق ابراهیم در حد افراط فریبنده و غیر منطقی است. چراکه ایشان بخوبی بر این امر واقف است که ما، هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ آرمانی کاملاً با جریان انشعابی تفاوت داریم. در واقع ایشان چون استدلالی برای رد ادعاهای ما ندارد، ناچار است به چنین فرمولبندی‌هایی متوسل شود و از پرداختن به محتوای مباحث کتبی و شفاهی ما خودداری کند.

ما بر اعتقاد و آرمان رهایی بخش کارگران و توده‌های مردم محروم و زحمتکش پایبندیم و عزم راسخ داریم که آنرا در هر شرایط دشواری مصممانه ادامه دهیم. زندگی مبارزاتی ما خود باطل کننده هرگونه اتهام و برچسب ناروا است. ما در این رابطه محتاج هیچگونه اظهار وفاداری سطحی نیستیم که مدتهاست در حزب کمونیست ایران مد شده است. رفیق ابراهیم تمام خردمندی خود را بکار گرفته تا از بیان اینکه ما آدمهای زنده وحی و حاضر و فعال در این تشکیلات چه می‌گوییم و از چه روشهایی انتقاد داریم، طفره برود. چون این لیست از خود ایشان، از روشهای تشکیلاتی و از سیاستهایش شروع میشود. ایشان همیشه دوست داشته اند به جنگ ارواح بروند تا پیروزمندی آن تضمین شده باشد. رفیق ابراهیم مدتهاست مکرراً میگوید که نظرات ما به نظرات چه کسانی میماند و چه سرنوشتی در انتظار ماست. اگر بحث بر سر شباهت باشد، مباحث، نحوه سخنرانیها و اصطلاحاتی که توسط ایشان بکار برده می شود، شباهت ایشان را با حواریون کمونیسم کارگری بصورت روزمره جار میزند. هر چند که تاکنون - علیرغم سعی و انعطاف فراوان - رفیق ابراهیم در این رهگذر نفعی نبرده‌اند .

حداقل انتظاری که میتوان داشت این است که رفیق ابراهیم صمیمانه به طرفداران خود بگوید که واقعاً آنها را بکجا می برد؟ و اگر این شباهتها با کمونیسم کارگری که همگان از آن صحبت میکنند، ظاهری است، پس این تفاوتها باطنی با آنها در کجاست و کی نمایان میشوند؟

آیا رفیق ابراهیم در این مدت باین قناعت رسیده است که کومهله پیش از تشکیل حزب کمونیست، چپ و سوسیالیست و کمونیست نبوده است؟ (همانگونه که شاخه‌ها و فرقه‌های گوناگون کمونیسم کارگری به این باور رسیده‌اند) اگر غیر اینست چرا فعالیت با نام کومهله شمارا از کمونیسم دور میکند اما کارکردن تحت عنوان حزب کمونیست، کمونست ماندنتان را تضمین خواهد کرد؟

ما حداقل پس از انقلاب توده‌های مردم ایران شاهد رشد و گسترش جریان چپ و سوسیالیست در کردستان بوده‌ایم. روندی که برجستگی نقش و جایگاه کومهله در آن بر همگان آشکار است و کسی نمیتواند آنرا انکار کند. اما پس از گذشت قریب به 25 سال از تشکیل حزب کمونیست ایران، خبری از نفوذ اجتماعی این تشکیلات "سراسری" در بقیه نقاط ایران در دست نیست. در این مناقشه روا نیست که نفوذ و اعتبار اجتماعی کومهله در کردستان به حساب پایگاه حزب کمونیست ایران نوشته شود.

آنچه برای ما اهمیت حیاتی دارد، سرنوشت کومهله است. آنهم نه بخاطر فقط نامش، بلکه اصولاً بخاطر مشی فکری و جهان بینی. بدلیل تاریخ مبارزاتی رواق و برحق و عادلانه‌اش، بدلیل تمام تلاشها، صداقت و فداکاریهایی که در جهت کسب حقوق کارگران و توده‌های مردم محروم و زحمتکش صورت گرفته است، بدلیل مبارزه پیگیرانه در جهت از میان برداشتن ستم ملی و کسب حق تعیین سرنوشت برای مردم ستمدیده کردستان با رأی آزادانه خویش. بدلیل پیشبرد مبارزه‌ای عادلانه علیه تفکر و فرهنگ ارتجاعی مردسالارانه و مبارزه بی وقفه در جهت از میان برداشتن تبعیض جنسی و هرگونه ستمی بر زنان. بدلیل مبارزه برای تأمین آزادی و برابری در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و

سرانجام بدلیل مبارزه در جهت استقرار جامعه‌ای سوسیالیستی. واضح است که همه ما در این مبارزه شرکت داشته و در دستاوردهایش نیز سهیم بوده‌ایم. نه کسی مجاز است و نه می‌تواند، با وارونه نشان دادن واقعیتها و با یک چرخش قلم دیگران را از دایره این مبارزه و این تاریخ حذف کند. چنین مشی و اندیشه‌ای، توأم با مجموعه‌ای از سنتهای مثبت، معرف کومله است. بهمین دلیل هم کومله برای همه ما عزیز و گرامی است.

کومله حاصل و دستاورد مشی سیاسی - اجتماعی جریان چپ، انقلابی و سوسیالیست در جامعه کردستان است. این جریان از حمایت توده‌های مردم شهر و روستاها در سطح گسترده‌ای بهره‌مند بوده و از همین طریق هم نفوذ و جایگاه اجتماعی محکمی یافته است. کومله ملک شخصی کسی یا گروه بخصوصی نیست. همه ما فعال و رهرو این جریان بوده‌ایم. هرگاه سختی و دشواری و موانع و مشکلاتی هم برای کومله بمثابة جریان اجتماعی ای که بآن اشاره کردم پیش آمده باشد، ما هم در صف مقدم دفاع از منافع و آرمانهای آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سوسیالیستی این جریان بوده‌ایم و از این بابت خود را به کسی مدیون نمی‌دانیم.